

گزارش

مجمع ایرانی دفاع از حقیقت

Iranian Council For
Defending The Truth



شکاف‌های آمریکا

۱۴



رابطه‌ی پول و سیاست

سورة الاحقاف



فهرست

۱
۲

مقدمه یافته‌ها

نقش پول در سیاست	۱۲
تلاش برای کاهش ارتباط پول و سیاست	۱۳
کمک مالی به نامزدها و تلاش برای دور زدن قانون	۱۴
تجربیات تاریخی و اظهارات کارشناسان	۱۵
نقش مؤثر پول در فرآیندهای انتخاباتی	۱۶



*Iranian Council For
Defending The Truth*



مقدمه



مقدمه

در هر دوره میلیاردها دلار توسط افرادی که در سطوح مختلف محلی، ایالتی یا ملی در انتخابات شرکت می‌کنند هزینه می‌شود. این فرآیند در طول سالیان دموکراسی آمریکایی را به یک سرمایه‌گذاری پرهزینه تبدیل کرده است. برخلاف ماهیت دموکراسی و مفهوم آن در رویکرد آمریکایی، تنها افراد ثروتمند توانایی حضور و تغییر در صحنه‌ی سیاسی را دارند. همچنین، تزریق پول به فرآیند دموکراتیک منجر به مشکلات متعددی شده که فساد مقامات دولتی و نفوذ لابی‌گرانی که به دنبال تغییر دادن آرای سیاستمداران و دسترسی به مقامات دولتی هستند را فراهم کرده است. این فرآیند معمول توسط افراد ثروتمند کنترل و مدیریت می‌شود؛ اما دموکراسی آمریکایی به خاطر نفوذ پول در سیاست به قدری مشکل‌ساز شده که مردم آمریکا را در آغاز دهه‌ی سوم قرن بیست‌ویک با سوآلاتی اساسی روبرو کرده است: «چه کسی واقعاً در آمریکا قدرت را در اختیار دارد - آیا این قدرت در اختیار مردم آمریکا است یا افرادی که از ثروتشان برای پیشبرد منافع خاص خود، استفاده می‌کنند.»



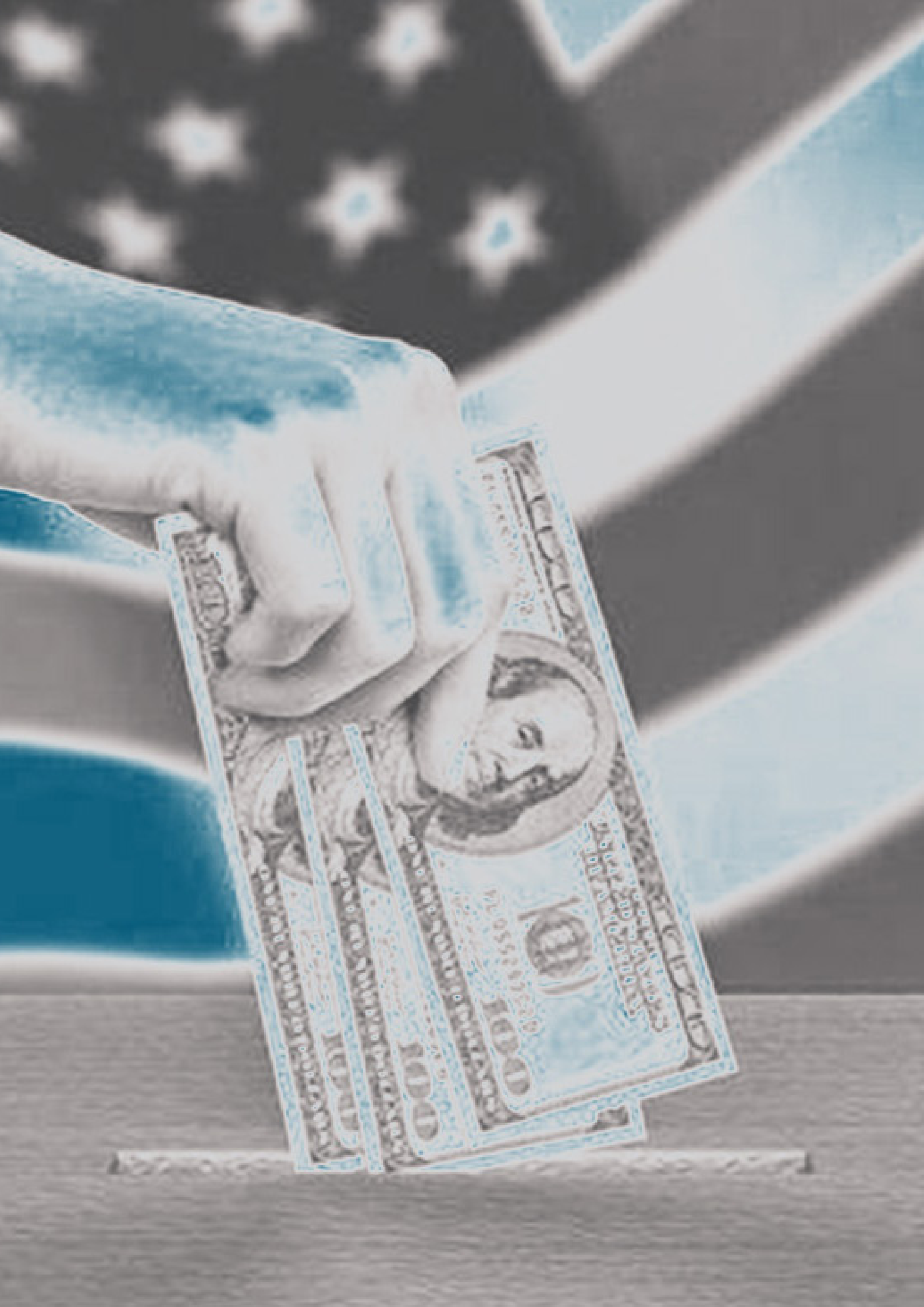


*Iranian Council For
Defending The Truth*



یافته‌ها

۲



رابطه‌ی پول و سیاست

نقش پول در سیاست

به اصطلاح «پول‌های کثیف» نبوده و شامل رقابت برای مجلس نمایندگان و سنا نمی‌شود. در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۶، هزینه تمام رقابت‌های کنگره به ۴ میلیارد دلار رسید که میانگین هزینه کسب یک کرسی مجلس نمایندگان بیش از ۱ میلیون دلار و یک کرسی سنا حدود ۸ میلیون دلار بود. در سال ۲۰۱۲ هزینه انتخابات ملی برای مجلس نمایندگان بیش از ۱ میلیون دلار و یک کرسی سنا تقریباً ۱۰/۲ میلیون دلار بود، اگرچه برخی برای سنا از ایالت‌های کلیدی و با رقابت درون‌حزبی بالا حضور دارند که در این صورت مبلغ هزینه شده بسیار بیشتر از ۸ میلیون دلار است.

برای نمونه، در سال ۲۰۱۶، رقابت برای کرسی سنا در فلوریدا در با پیروزی «مارکو روبیو» به پایان رسید و ۴۴ میلیون دلار (۵۲ میلیون دلار با احتساب کمک‌های جمع‌آوری‌شده) هزینه داشت. این موضوع در حالی است که اعضای مجلس نمایندگان و سنا حقوق سالانه‌ای دریافت می‌کنند که با توجه به سابقه و موقعیت آن‌ها در سلسله‌مراتب قدرت، هنوز کمتر از ۲۰۰ هزار دلار در سال است. با هر معیاری، مبلغ هزینه شده برای رسیدن به کنگره به مراتب بالاتر از حقوق رسمی نمایندگان است.

به نقل از یک ضرب‌المثل آمریکایی، «پول شیر مادر سیاست» است. اگرچه کمی خیال پردازانه باشد، اما در واقع می‌توان پول را با چیزی که سیاست و سیاستمداران را تغذیه و حفظ می‌کند مرتبط کرد. بدون تزریق هنگفت پول، کمپین‌های انتخاباتی آمریکا نمی‌توانند، مشاوران متخصص، نظرسنجی‌های مداوم، تبلیغات رسانه‌ای بی‌پایان، سفرهای متعدد و همه‌ی هزینه‌های متفرقه مانند تبلیغات کلاه و تی‌شرت تا پاکت نامه و تمبر را تهیه کنند.

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰، طبق داده‌های کمیسیون انتخابات فدرال، هزینه‌ی حضور در کاخ سفید تقریباً ۴۵۰ میلیون دلار بود. در سال ۲۰۰۴ این مبلغ به ۶۵۰ میلیون دلار افزایش یافت و انتخابات ۲۰۰۸ از مرز ۱ میلیارد دلار گذشت. در سال ۲۰۱۲ مبلغ هزینه شده تقریباً ۲/۶ میلیارد دلار بود و در سال ۲۰۱۶ دو نامزد اصلی، دونالد ترامپ و هیلاری کلینتون ۶۸۹ میلیون دلار هزینه کردند. با اضافه کردن پول خرج شده توسط سایر نامزدهای دموکرات و جمهوری‌خواه کل مبلغ از ۵ میلیارد دلار فراتر می‌رود. باید اضافه کرد که کل هزینه نهایی شامل کمک‌های



تلاش برای کاهش ارتباط پول و سیاست

افراد مستقر در دفاتر نمایندگان و نامزدها از اشخاص، شرکت‌ها و گروه‌های ذینفع مبالغ هنگفتی دریافت می‌کنند.

در سال ۲۰۰۲، سناتور جمهوری‌خواه «جان مک‌کین» از آریزونا و سناتور دموکرات «راس فینگولد» از ایالت ویسکانسین قانون اصلاحات کمپین انتخاباتی «بی-سی-آر-ای» را از طریق کنگره به اجرا گذاشتند. این قانون محدودیت مشارکت فردی را به ۲۳۰۰ دلار افزایش داد و اجازه کمک تا ۲۸۵۰۰ دلار به کمیته ملی حزب را بلامانع اعلام کرد. در مجموع، با توجه به «بی-سی-آر-ای»، یک فرد می‌تواند تا ۱۰۸۲۰۰ دلار در یک دوره دوسالانه کمک کند. جای تعجب نیست که «بی-سی-آر-ای» با ایراداتی از قانون اساسی و تلاش‌هایی برای مسکوت ماندنش روبرو شد. البته برای توجیه کمک‌های مالی، سازمان «اتحادیه‌ی شهروندی» بر این عقیده بود که گروه‌هایی که مبالغ هنگفتی را در یک کمپین خرج می‌کنند، مستقل از نامزد سیاسی خواهند بود. در مقابل، منتقدان سیستم مالی کمپین‌های انتخاباتی در مخالفت با «اتحادیه‌ی شهروندی» اظهار داشتند که آنچه قانون انجام داده، ترویج فساد و خریدوفروش دموکراسی است. در سال ۲۰۱۰، مرکز «عدالت برنان» مشخص کرد که از ۱ میلیارد دلاری که توسط «بنگاه مالی» در سطح فدرال خرج شده، ۶۰٪ آن فقط از ۱۶۵ فرد و همسران آنها تأمین شده است. اگرچه طبق قانون فعلی حداکثر مجاز تأمین مالی ۵۲۰۰ دلار است و ثروتمندان ابتدا ۵۲۰۰ دلار کمک می‌کنند و سپس با کمک‌های نامحدود به بنگاه‌های تبلیغاتی یا یک نهاد واسطه اهداف خود را دنبال می‌کنند.

ارتباط بین پول و سیاست در آمریکا سابقه‌ای طولانی دارد که به دوران «اندرو جکسون» و «سیستم فاسد» او برمی‌گردد، زمانی که جویندگان کار برای به دست آوردن یک شغل دولتی پول هنگفتی پرداخت می‌کردند. در پی رسوایی «واترگیت» و «کریپ»، کنگره قانون کمپین انتخاباتی فدرال را در سال ۱۹۷۲ تصویب کرد. این قانون مستلزم شفاف‌سازی تمام کمک‌های مالی بیش از ۱۰۰ دلار به نامزدهای فدرال بود و به شهروندان اجازه داد تا حتی از ۱ دلار هزینه‌ی کمپین ریاست‌جمهوری مطلع باشند. قانون کمپین انتخاباتی فدرال در سال ۱۹۷۴ تأمین مالی عمومی انتخابات ریاست جمهوری را بلامانع دانست و محدودیت‌های خاصی را برای کمک‌های تبلیغاتی به نامزدهای فدرال تعیین کرد.

استفاده از بحث آزادی بیان در متمم اول قانون اساسی به‌عنوان مبنایی برای مشارکت در مبارزات انتخاباتی به کنگره این فرصت را داد تا از اصلاحات مالی گسترده اجتناب کرده و به سمت تأمین مالی از منابع مردمی برود. البته برای زمانی محدودیت‌هایی را برای کمک‌های فردی، به‌ویژه از سوی اهداکنندگان بزرگ، ایجاد کرد؛ اما به‌هرحال، منابع شخصی یا افراد، شرکت‌ها و سایر نهادها برای تأمین هزینه‌های تبلیغاتی با حمایت قانون اساسی از آزادی بیان، توجیه می‌شد. در ادامه، خلأهایی در قانون یافت شد که اجازه می‌داد به‌جای به نامزدها، به احزاب سیاسی پول داده شود. این اقدام به‌اصطلاح «پول سفید» راهی برای کمک‌های هنگفت اهداکنندگان ثروتمند بود و روند هزینه‌های بالا در کمپین‌های فدرال را تأمین کرد. در چنین شرایطی بیشتر آمریکایی‌ها معتقد هستند پول سیستم سیاسی را فاسد کرده و



کمک مالی به نامزدها و تلاش برای دور زدن قانون

یک آمریکایی معمولی نتواند در این بازی سیاسی مشارکت کند، چگونه می‌تواند از منافع خود (حقوق شهروندی) محافظت کند؟ آمریکایی‌های که توانایی پرداخت کمک‌های عمده به کمپین‌های انتخاباتی را ندارند، چگونه به دولت دسترسی پیدا می‌کنند؟

از این رو می‌توان پول را «شیر مادر سیاست آمریکا» توصیف کرد و آن را «ریشه همه بدی‌ها» دانست. بدین ترتیب کمک‌های تبلیغاتی «گره‌های چاق» به نامزدهای پست‌های دولتی برای دسترسی به رهبران قدرتمند یا نفوذ توسط لابی‌گران مشکوک، می‌تواند تأثیر مخربی بر روند سیاسی داشته باشد.

اگرچه فساد عمومی مصادیق مختلفی دارد، اما برخی از موارد مشترک در مورد اثرات مخرب پول و سیاست وجود دارد. با اطمینان می‌توان گفت که هر چه یک حزب سیاسی بیشتر در قدرت بماند، احتمال اینکه پول اثر فاسدی داشته باشد و در نهایت منجر به رسوایی مخرب آن مجموعه شود بیشتر است. علاوه بر این، رسوایی پرونده‌های مالی معمولاً به افرادی مرتبط هستند که سال‌ها سابقه‌ی حضور در صحنه‌ی سیاسی را دارند و به موقعیت‌های قدرتمندی رسیده‌اند که تصمیمات و اقدامات آن‌ها می‌تواند در جهت‌گیری یک سیاست عمومی خاص، تأثیر بگذارد؛ اما آنچه از همه مهم‌تر است این است که با هر مورد از فساد، سطح اعتماد عمومی آسیب می‌بیند. این موضوع به آن دلیل است که ترس مردم آمریکا مبنی بر اینکه تصمیمات سیاسی را می‌توان با توزیع پول به اعضای کنگره یا قوه مجریه تغییر داد، واقعیت پیدا می‌کند.

تاریخچه تأمین مالی کمپین‌های انتخاباتی و منتقدان آن همواره با فراز و نشیب‌های فراوانی همراه بوده، اما نکته‌ی قابل‌توجه حساسیت این موضوع بوده که هیچ‌زمان بی‌تأثیر نبوده است. برای خلأهای و فرصت‌های جدید در دور زدن قانون و جمع‌آوری پول برای نامزدها، نتیجه‌ی همه تلاش‌ها برای اصلاح و فرار از نحوه تأمین مالی در انتخابات فدرال منجر به حوادث متعدد و موجی از رسوایی‌های سیاسی شده است. البته، پیگیری بی‌وقفه راه‌هایی برای تداوم انتقال مبالغ هنگفت به فرآیندهای سیاسی مهم بوده، اما این موضوع تضعیف اعتماد عمومی به نظام‌های انتخاباتی و قانون‌گذاری را در پی داشت.

وقتی آمریکایی‌ها به کاندیداها پول می‌دهند، چه به صورت انفرادی و یا از طریق یک شرکت، اتحادیه یا انجمن تجاری، این کار را برای اهداف نوع‌دوستانه یا بلندمرتبه انجام نمی‌دهند. نام این بازی سیاسی در واشنگتن «دسترسی» است و با دسترسی، تأثیرگذاری بر سیاست‌های عمومی ایجاد می‌شود. البته مشکل کمک‌های مالی به کمپین‌های تبلیغاتی این است که اکثر آمریکایی‌ها توانایی کمک مالی به نامزدها را ندارند. نتیجه این است که اکثر آمریکایی‌ها امکان دسترسی به مقامات دولتی ندارند و چشم‌انداز تأثیرگذاری آن‌ها بر سیاست‌های عمومی ناممکن خواهد بود. آن‌ها حتی امکان هماهنگی و یکپارچگی برای جمع‌آوری هزینه‌های یک نامزد خاص را نیز ندارند. به‌طور خلاصه، همه بخش‌های اقتصادی خصوصی خواسته‌ای از دولت دارند و کمک‌های تبلیغاتی به قانون‌گذاران کلیدی یا نامزدهای ریاست‌جمهوری، نوعی روش تجاری هوشمند محسوب می‌شود. مشکل اینجاست اگر



تجربیات تاریخی و اظهارات کارشناسان

بودند، آسیب زد .

درحالی‌که برای حرکت به سمت یک سیستم انتخاباتی با بودجه عمومی در سطح فدرال تمایل شدیدی وجود دارد، تحقیقاتی نشان می‌دهد کمک‌های تبلیغاتی و هزینه هنگفت انتخابات ممکن است مضر نباشد و لزوماً زمینه‌ای برای رشد فساد به وجود نیآورد. «جان کولمن»، استاد دانشگاه ویسکانسین، کارشناس پول و سیاست، در مطالعه‌ای اظهار داشت: «هزینه‌های کمپین، کمک مهمی به جنبه‌های مؤثر زندگی دموکراتیک، مانند دانش و دقت در مورد نامزدها به وجود آورده، پویایی سیاسی را به همراه داشته و به اعتماد عمومی لطمه نمی‌زند. همچنین، مطالعه‌ای که توسط «جان سمپلز» از مؤسسه‌ی «کاتو» انجام شد، نشان داد که سیاستمداران در همه سطوح دولتی به‌جای تحت تأثیر قرار دادن رأی‌دهندگان در فرآیند مشارکت در مبارزات انتخاباتی، از کمک‌کنندگان پول دریافت می‌کنند، با این درک که آن‌ها در یک سیاست عمومی خاص یا به کنش دولتی اعتقاد مشترک دارند .

یکی از نمونه‌های اثرات مخرب پول بر سیاست، پرونده‌ی «رندی دوک کانینگهام» نماینده‌ی کالیفرنیا در کنگره، در سال ۲۰۰۵ بود. او پس از اعتراف به اتهام دریافت ۲ میلیون دلار رشوه از پیمانکاران دفاعی در منطقه خود در «سن دیگو» از کنگره استعفا داد. دادستان‌های دولتی اظهار داشتند که «کانینگهام» خانه‌اش را به یک پیمانکار دفاعی به قیمتی بالا فروخته و از این «سود» برای خرید یک رولز رویس، یک قایق تفریحی، عتیقه‌جات و سایر اشیاء قیمتی برای تزئین عمارت ۲/۵ میلیون دلاری خود استفاده کرده است. پس از اعتراف «کانینگهام»، دادستان فدرال «کارول لام»، جرم او را صدمه به نظام سیاسی آمریکا و اعتماد عمومی به مقامات دولتی، اعلام کرد. او همچنین اظهار کرد: «شهروندانی که کانینگهام را انتخاب کردند، تصور می‌کردند که او تمام تلاش خود برای آن‌ها خواهد کرد. در عوض، او بدترین کاری را انجام داد که یک مقام منتخب می‌تواند انجام دهد - او از طریق موقعیت خود ثروتمند شد و به اعتماد کسانی که به او اعتماد کرده و رأی داده



نقش مؤثر پول در فرآیندهای انتخاباتی

رقابت طاقت‌فرسا برای جذب پول اظهار داشت: «من از جمع‌آوری کمک مالی خسته هستم. وقتی چهار ساعت در اتاقی می‌نشینید و تماس می‌گیرید، نوعی رفتار کشنده است. هر اقدامی که این فرآیند طاقت‌فرسا را کاهش دهد برای کشور و کاندیداها خوب است.»

به‌هرحال احتمال قوی وجود دارد که اصلاحات جامع مالی درباره‌ی مبارزات انتخاباتی فدرال از طریق بودجه عمومی در سیاست آمریکا به واقعیت تبدیل نشوند. پول زیادی در میان است و افراد بسیار زیادی از میلیاردها دلاری که برای دستیابی به اصلاحات خرج می‌شود، امرارمعاش می‌کنند. مبارزات انتخاباتی سال ۲۰۱۶ برای ریاست جمهوری، حداقل از نظر نقش پول و سیاست غیرعادی بود. «جرج بوش» جمهوری‌خواه که به دنبال ادامه سلسله خانوادگی حضور در کاخ سفید بود، بیش از ۱۰۰ میلیون دلار از اهداکنندگان پول جمع‌آوری کرد، اما هرگز نتوانست به هدفش برسد. از سوی دیگر، دونالد ترامپ نسبتاً هزینه کمی برای کمپین انتخاباتی صرف کرد و در عوض با استفاده از پوشش رسانه‌ای رایگان و وام‌های شخصی به کمپین خود، سیاست خود را پیش برد. ترامپ، به یک معنا، با استفاده از راهپیمایی‌های

از بسیاری جهات، سیاستمداران اسیر ماشین پول هستند، آن‌ها تلاش می‌کنند محدودیت‌های قانونی یا اقدام به سبک اروپایی (سیستم مالی عمومی ممکن است صلاحیت آن‌ها را به خطر بیندازد) یا روش سنتی استفاده از مشارکت‌های نقدی را به‌عنوان ابزاری برای تأثیرگذاری بر سیاست‌های عمومی را به‌طور کامل اصلاح کند. پول و سیاست مطمئناً به هم مرتبط هستند و نمونه‌های متعددی وجود دارد که پول منشأ فساد و رفتارهای غیراخلاقی از سوی مقامات دولتی است؛ اما پول و سیاست به‌طور خودکار فضای ناخوشایندی را در عرصه سیاسی ایجاد نمی‌کند که سیاستمداران را به تصمیم‌گیری سیاسی بر اساس میزان مشارکت سوق دهد. مشارکت‌ها، فرصت بسیار مهم برای دسترسی به سیاستمداران برای طرح یک ایده یا پیشبرد یک پیشنهاد از طریق وزارتوی فرآیند حکومتی هستند.

بسیاری از اعضای کنگره و نامزدهای ریاست جمهوری در سال‌های اخیر آشکارا از میزان زمانی که صرف تماس تلفنی یا جمع‌آوری کمک‌های مالی برای طلب پول از «گربه‌های چاق (منابع ثروتمند)»، شکایت دارند. «باب کیسی» که در سال ۲۰۰۶ به عنوان سناتور «پنسیلوانیا» انتخاب شد. او در مورد



عمومی برای نشان دادن حمایت از نامزدی‌اش و سپس بیانیه‌های بحث‌برانگیز یا حملات شخصی که سروصدای خبری به وجود آورد، مدل جدیدی از تأمین مالی کمپین‌های انتخاباتی ایجاد کرد. به دلیل ناکامی بوش در تبدیل شدن به نامزد پیش‌تاز و تحقیر جمهوری خواهان از طرف ترامپ، حامیان اصلی محافظه‌کاری مانند «شلدون ادلسون» و «برادران کخ» منابع مالی قابل‌توجه خود را صرف حفظ اکثریت جمهوری خواهان در مجلس نمایندگان و سنا کردند. از طرف دموکرات‌ها، هیلاری کلینتون به دلیل جمع‌آوری پول به روش سنتی‌تر از طریق جستجوی کمک‌های مالی از سوی اهداکنندگان اصلی، بانک‌ها، شرکت‌ها و «سوپر پک‌ها» با انتقادات اساسی مواجه شد. به‌ویژه، سناتور «برنی سندرز» او را به دلیل پذیرش صدها هزار دلار هزینه سخنانی از شرکت‌های بزرگ وال‌استریت مانند «گلدمن ساکس» متهم کرد. از سوی دیگر، سندرز با تکیه بر کمک‌های کوچک هزاران نفر از حامیان خود، روشی متفاوت در پیش گرفت؛ بنابراین، در طول مبارزات انتخاباتی، پول بیشتری نسبت به کلینتون جمع‌آوری کرد. روش او رویکرد سنتی رابطه‌ی پول با سیاست را بر هم زد.

جمع بندی

مشکل واقعی ارتباط بین پول و سیاست در ایالات متحده این است که سیستم، بستر پرورش بی‌اعتمادی عمومی و بدبینی جامعه است. سطح اعتماد به رهبران سیاسی توسط مردم آمریکا بسیار پایین است و شهروندان معتقدند رهبران سیاسی به جای حل مشکلات آزاردهنده ملی، به دنبال ثروت‌اندوزی و تعقیب منافع گروه‌های ذینفع خود هستند؛ اما یادآوری این نکته مهم است که میلیاردها دلار صرف کمپین‌های انتخاباتی در آمریکا، بهایی است که مردم آمریکا برای شیوه زندگی دموکراتیک خود می‌پردازند. احتمالاً بهتر است که این هزینه کمتر باشد و بدون رسوایی‌های سیاسی انجام شود؛ اما مردم آمریکا رهبران خود را این‌گونه انتخاب می‌کنند و این مدل از سیاست گردش پولی باعث ایجاد مشکل بی‌اعتمادی در روند انتخابات و منتخبان خواهد شد.

ضمائم و منابع

- "Tracking the ۲۰۱۶ Presidential Money Race," Bloomberg Politics, December ۹, ۲۰۱۶.
- See the Center for Responsive Politics for data on election spending from ۱۹۹۸–۲۰۱۲, "the Money Behind the Elections," at the site www.opensecrets.org/bigpicture/
- the Federal Elections Commission provides a description of recent campaign financing laws and regulations. See www.fec.gov/info/appfour.htm
- Buckley v. Valeo ۴۲۴ U.S. (۱۹۷۶).
- See David Mutch, *Buying the Vote: A History of Campaign Finance Reform* (New York: Oxford University Press, ۲۰۱۴).
- John McCain
- Russ Feingold
- Bipartisan Campaign Reform Act (BCRA)
- See Bipartisan Campaign Reform Act of ۲۰۰۲ at the Federal Election Commission site, www.fec.gov
- Citizen united
- See Ellen L. Weintraub, "Taking On Citizens United," *New York Times*, March ۳۰, ۲۰۱۶.
- Brennan Center for Justice
- Daniel I. Weiner, "Citizens United Five Years Later," Brennan Center for Justice, January ۱۵, ۲۰۱۵.
- Fat Cats
- Randy "Duke" Cunningham
- ۱۱. "Congressman Resigns After Bribery Plea," www.cnn.com/۲۰۰۵/POLITICS/۱۱/۲۸/cunningham
- John Coleman
- John Samples
- Cato Institute
- John Coleman, "Comments for Public Election Funding Conference," University of Wisconsin, January ۲۸–۲۹, ۲۰۰۶.
- John Coleman, "Comments for Public Election Funding Conference," University of Wisconsin, January ۲۸–۲۹, ۲۰۰۶.
- See John Samples, *The Fallacy of Campaign Finance Reform* (Chicago: University of Chicago Press, ۲۰۰۶).
- Sheldon Gary Adelson
- Koch family
- David Kirkpatrick, "Senate Measures Puts Spotlight on Fund-Raising," *New York Times*, January ۲۰, ۲۰۰۷.
- Super PACs
- See Jim O'Sullivan, "Money's Influence Not a Given: Mountains of Super PAC Cash Have Not Exactly Paid Off," *Boston Globe*, March ۲۴, ۲۰۱۶. See also "the Biggest, Most Influential Political Donors on the ۲۰۱۵ Forbes ۴۰۰," *Forbes*, September ۳۰, ۲۰۱۵.

